

## نقدی بر کمپین یک میلیون امضا علیه ارتجاع لیبرال

محمد کریم آسایش

آبان 1385

به پیش  
نشریه دانشجویی دانشگاه تهران

<http://www.bepishmag.blogfa.com/post-8.aspx>

رهایی زنان ایران از هرگونه بردگی را تنها انقلاب پرولتاری جهانی میسر خواهد ساخت

موقعیت زن ایرانی/ آواتیس میکائیلیان (سلطانزاد)

کمپین يك میلیون امضا، برای تغییر قوانین تبعیض آمیز از لحاظ محتوای مبتنی بر درخواست از مجلس شورای اسلامی برای تغییر قوانین طلاق، حضانت، دیه، شهادت، ارث، پوشش، سنگسار و قوانین حامی قتل‌های ناموسی است. اما این خواست تغییر قوانین تنها نمای ظاهری کمپین را نشان می‌دهد. برای شناخت ماهیت کمپین باید به کالبدشکافی متن آن پرداخت.

(۱) کمپین، رویکردی مذهبی دارد و این در چند بخش آن آشکار است، از جمله: نگرش کمپین به اجتهاد که تغییر در وضعیت موجود را منوط به نصب فقهای همراه با مقتضیات اجتماعی از سوی رهبری در شورای نگهبان می‌داند؛ درخواست‌های خود را منطبق با اجتهاد پویای مجتهدانی چون «صانعی» و «بجنوردی» اعلام می‌نماید، در مسئله پوشش با نگاه فقهی مبتنی بر حق اقلیت‌های مذهبی (و نه رد کامل حجاب اجباری و بیان صریح آزادی پوشش) تعیین موضع می‌نماید و در مسئله دیه، به جای بیان خواست لغو قصاص، با پذیرش ساختار مذهبی مجازات‌ها، تنها خواهان برابری در اعمال آن است. از این رو، از همان ابتدا مهر نگرش خاصی (مشخصاً روشن‌فکری دینی) بر کمپین خورده است.

(۲) کمپین علیرغم ادعای اصلاح از پایین، آن‌جا که ابزار اعمال فشار بر حکومت را برای تغییر قوانین، دخالت سازمان‌های جهانی برای پی‌گیری اجرای تعهدات بین‌المللی حکومت ایران اعلام می‌نماید، به فشار از خارج تکیه دارد.

از این دو پایه‌ی کمپین می‌توان به شیوه‌ی کمپین یعنی بندبازی بین اصلاح‌گرمی و امریکا پی برد و ادعای «اصلاح از پایین» آن را مردود شمرد. حتی با پذیرش شکلی اصلاح از پایین، مسئله حل نشده است چرا که اصلاحات از پایین تنها امری معطوف و محصور در شکل حرکت نیست، بلکه به افق

حرکت و همراستایی آن با منافع اقشار پایین (یعنی اقشاری که قرار است حمایت آنان جلب شود) بستگی دارد. از این رو، آن دست از به اصطلاح چپ‌های لیبرال که مفتون شکل کژدار و مریز و جنبشی کمپین شده‌اند، ره به بیراهه برده‌اند.

از آن جایی که کمپین یک پدیده‌ی انتزاعی نیست و درون آن یک فرایند اجتماعی و با همراهی جریان‌هایی و در تقابل با جریان‌های دیگر قرار دارد، می‌توان از متن کمپین فراتر رفت و ماهیت آن و جریان‌های حامی‌اش را بیشتر شناخت.

۳) کمپین از طرح‌هایی مشابه در مراکش و الجزایر تقلید شده است. در این موارد، دولت‌های لیبرال بر سر کار بودند که موافق با تغییرات درخواستی بودند اما عزم پی‌گیری آن را نداشتند و این کمپین‌ها در آن جا این عزم را ایجاد کردند. بدیهی است که دولت‌های لیبرال مراکش و الجزایر را نمی‌توان با اسلام سیاسی در ایران مقایسه کرد، از این رو باید بگوییم که رویاهای لیبرال‌های وطنی، او‌های بیش نیست.

۴) کمپین نگرشی محدود به مسئله‌ی ستم جنسی دارد و تنها آن را در حوزه‌ی حقوقی محصور می‌داند و عوامل اقتصادی و عرفی را نادیده می‌گیرد. اما چرا؟

به دلیل آن که توجه به این عوامل، مستلزم خواست برای تغییر ساختارهای مسبب آن است و لیبرالیسم چنین قصد و عزمی نه تنها ندارد بلکه دقیقاً برعکس، خواستار تداوم و حفظ آن است. این جا است که بهتر است لیبرال‌های وطنی، زحمت تعارفاتی نظیر «می‌توان موافق بود که نظام سرمایه‌داری کنونی از ریشه بیمار است» را به خود ندهند.

۵) دو نیروی حامی کمپین لیبرال‌ها و روشن‌فکران دینی می‌باشند. جریان اول به صراحت اعلام می‌کند که «ما نیروهای لیبرال را به دوری از هرگونه عمل سیاسی رادیکال فرامی‌خوانیم» و یا «جریان لیبرال از هرگونه فعالیت پرکتیک [منظور آقایان پراتیک است] انصراف می‌دهد» و به جای آن خطاب به معشوقه‌اش (عمو سام) ترانه‌های عاشقانه می‌سراید و با خود زمزمه می‌کند:

رواق منظر چشم من آشیانه‌ی توست      کرم نما و فرود آ که خانه، خانه‌ی توست

در پستوی تنوریکش!!! خلوت گزیده است و منتظر تجاوز بشردوستانه نشسته است.

جریان دوم هم به آن جا رسیده است که فشار از پایین، چانه‌زنی در بالا را تند می‌داند و راه عافیت «جلب اعتماد جناح حاکم» را برگزیده است؛ در مقابل جنبش پیش‌رونده‌ی زنان، از خانواده و احکام فقهی‌اش آه و ناله می‌کند و در زیر عبای «خانواده‌ی دموکراتیک» و «خانواده‌ی مدنی» به جنبشی که دیگر اعتنایی به او‌های ناموزون تریبون‌های رنگارنگش ندارد، موعظه‌های حکیمانه می‌کند.

این جریان‌ها که باوری به حرکت جنبشی و اصلاح از پایین ندارند، نمی‌توانند پرچمدار آزادی زنان در ایران باشند. در ضمن امروز دیگر نمی‌توان از دو شیوه صحبت کرد چرا که تا چندی پیش جریان لیبرال از شیوه‌های مبارزه‌ی خود (نافرمانی مدنی، رفراندوم) داد سخن می‌داد و در ظاهر ژستی رادیکال به خود می‌گرفت اما امروز دیگر نقاب خود را کنار گذاشته است و به مجتهدان اصلاح‌طلب دخیل بسته است.

۶) کمپین همان‌گونه که مدافعانش به صراحت بیان می‌کنند، هدفش از کنار هم قرار دادن اقشار گوناگون زنان از کارگر، استاد، خانه‌دار و... در زیر پرچم برابری حقوقی (یعنی افق فمینیسم لیبرال) کم رنگ کردن مرزهای طبقاتی است. به لیبرال‌ها توصیه می‌کنیم در دفاع از خود بند را به آب ندهند. چه چیز بهتر از این بیان می‌تواند ماهیت کمپین یعنی سرپوش گذاشتن بر تضاد طبقاتی را آشکار کند؟

۷) چرا فمینیست‌های لیبرال این چنین برای پرچم‌سازی برای حرکت‌های زنان خود را به آب و آتش می‌زنند؟ مگر جز این است که با پیش‌روی جنبش زنان، درخواست‌های رادیکال در آن طرح گشته بود؟ مگر جز این است که در 8 مارس 2005 (اسفند 84) WMW (حرکت جهانی زنان) با خواست مبارزه با فقر و مبارزه با جهانی‌سازی نئولیبرال در جنبش زنان آغاز به کار کرده بود؟ از این رو مسئله فمینیست‌های لیبرال نه تغییر در قوانین تبعیض‌آمیز بلکه احیای هژمونی از دست‌رفته‌شان در جنبش زنان است که آن‌ها به طرح کمپین وا می‌دارد و اگر نه نیرو‌هایی که چنین مشی پاسیفیستی و دوری از کنش سیاسی را برگزیده‌اند به چنین تکاپویی نمی‌افتادند.